

بررسی ادراک ذی‌نفعان از تحقق گردشگری حامی فقرا در روستاهای منتخب شرق استان

سمنان

محمد رضا رضوانی، استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید علی بدری، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ذبیح‌الله ترابی^۱، دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۸/۱/۲۶

ارجاع جهت اصلاحات: ۹۷/۱۲/۱۵

دریافت: ۹۷/۸/۹

چکیده

در سال‌های اخیر توجه به فقرا در روح برنامه‌های توسعه گردشگری در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که توجه به فقرابه کانون نگرانی‌ها در برنامه‌های توسعه گردشگری تبدیل شده است و میزان برخورداری فقیران از منافع خالص گردشگری، معیار اولیه توجیه هرگونه ابتکار توسعه‌ای مبتنی بر گردشگری بوده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با روش‌شناسی کیفی از نوع روش تحلیل محتوا در صدد کشف و تبیین ادراک ذی‌نفعان گردشگری و کاهش فقر در روستاهای منتخب شرق استان سمنان (قلعه بالا، ابر و رضاآباد) است. به علت انزوای جغرافیایی و معیشت سنتی، مردم این روستاها از فقر نسبی رنج می‌برند. دولت در سال‌های اخیر با برنامه‌های دستوری تلاش‌هایی را برای کاهش فقر از طریق توسعه گردشگری در این مناطق انجام داده است. نتایج مصاحبه‌ها با پنج گروه ذی‌نفع نشان می‌دهد گردشگری با حمایت‌های دولتی توانسته است فقر را از سه مسیر (مستقیم، غیرمستقیم و اثرات پویا) نسبتاً کاهش دهد به طوری که فرصت‌ها و مهارت‌های شغلی بخش بزرگی از فقرای روستایی را افزایش داده و همچنین باعث ارتقای نسبی انسجام، مشارکت و رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری حامی فقرا، روستاهای منتخب، فقرای روستایی، مسیرهای کاهش فقر

مقدمه

گردشگری به تازگی توسط محققان، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های کشورهای کمتر توسعه یافته به عنوان ابزاری مؤثر برای کاهش فقر مورد توجه قرار گرفته است (اشلی^۱ و گودوین، ۲۰۰۰؛ هریسون^۲، ۲۰۰۸؛ پیترز^۳، ۲۰۱۵). بعد از شکست رویکرد نئولیبرال و کاستی‌های گردشگری جایگزین در کاهش فقر (چی ونز^۴، ۲۰۱۲) رویکرد توسعه انسانی در دهه ۱۹۹۰ برای تسریع رشد اقتصادی و کاهش فقر، مطرح گردید (شارپلی و تفلر^۵، ۲۰۱۴). در همین دوره بود که مفهوم گردشگری حامی فقرا با هدف دستیابی به اهداف توسعه انسانی توسط دیارتمان توسعه بین‌المللی بریتانیا^۶ وارد ادبیات گردشگری شد (هریسون، ۲۰۱۵؛ کینگ و دینکوکسونگ^۷، ۲۰۱۴).

«گردشگری حامی فقرا درصدد افزایش منافع خالص برای فقرا از طریق رشد گردشگری در ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) است؛ و اطمینان از اینکه رشد گردشگری سبب کاهش فقر شود» (اشلی، ۲۰۰۰).

اشلی و همکاران (۲۰۰۲) معتقد هستند این نگرش نیازمند آگاهی از روش‌هایی است که می‌تواند مشارکت فقرا را در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری افزایش دهد. گردشگری از سه راه ایجاد فرصت، امنیت و افزایش توانمندی فقرا می‌تواند به کاهش فقر کمک نماید (مدینه مونوز^۸ و گوتیررز پرز^۹، ۲۰۱۶).

در ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بخش دولتی سعی نمود از طریق برخی نهادهای حمایتی از قبیل کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی، بنیاد مستضعفان و ...، با حمایت‌های مادی از اقشار فقیر، از شدت آسیب‌پذیری آن‌ها بکاهد (صالحی اصفهانی، ۲۰۰۵)؛ اما هر ساله بر تعداد افراد مورد حمایت این دو نهاد افزوده شده است به طوری که در سال ۱۳۹۶ نزدیک به یک میلیون و هفت صد هزار خانوار تحت

1. Ashley, Boyd, & Goodwin

2. Harrison

3. Peeters

4. Scheyvens

5. Sharpley & Telfer

6. UK Department for International Development (DFID)

7. King & Dinkoksung

8. Medina-Muñoz, Medina-Muñoz

9. Gutiérrez-Pérez

حمایت مادی این دو سازمان قرار داشته‌اند و سالانه بر تعداد این افراد فقیر که نیازمند ارقام اساسی زندگی هستند افزوده می‌شود (کمیته امداد امام خمینی، ۱۳۹۶) بنابراین می‌توان گفت بسنده کردن به کمک‌های صرفاً مالی از طریق منابع حاصل از درآمدهای نفتی در ۳۹ سال گذشته نتوانسته است شدت فقر را کاهش دهد (ازکیا، ۱۳۸۱). این در حالی است که تحقیقات بانک جهانی نیز نشان از ناکارآمدی مؤسسات خیریه سنتی دارد (ناریان پارکر^۱، ۲۰۰۲). همچنین بانک جهانی^۲ (۲۰۰۲) معتقد است وابستگی بیش از حد فقرا به کمک‌های مالی مستقیم، انگیزه آن‌ها را برای بهبود زندگی خویش از بین خواهد برد؛ اما در سال‌های اخیر دولت ایران با تغییر نسبی سیاست‌های خود به دنبال ایجاد فرصت و توانمندسازی فقرا بوده (صالحی اصفهانی^۳، ۲۰۰۹) و در طرح‌های گردشگری توجه به فقرا را در اولویت قرار داده است (زرندیان و همکاران^۴، ۲۰۱۶).

طبق گزارش‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سمنان (۱۳۹۵) مناطق روستایی شرق استان بخصوص روستاهای نمونه گردشگری قلعه بالا، رضا آباد و ابر به خاطر طبیعت بکر و بافت روستایی منحصر به فرد خود در سال‌های اخیر به مقصدهای مهم طبیعت گردی روستایی استان تبدیل شده‌اند. گزارش‌ها نشان از آن دارد که گردشگری به‌ویژه تورهای گروهی به‌طور مداوم در این روستاها جریان دارد. از طرف دیگر در دو سال اخیر (۹۵-۱۳۹۴) به‌طور متوسط سالیانه پنجاه گردشگر خارجی از این روستاها بازدید داشته‌اند (میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان شاهرود، ۱۳۹۵). از طرف دیگر آمارها نشان از آن دارد که این روستاها فقرای زیادی را در خود جای داده‌اند (کمیته امداد امام خمینی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین این مقاله با بررسی ادراکات و تجارب دست‌اندرکاران به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا توسعه طبیعت‌گردی در روستاهای منتخب شرق استان سمنان باعث کاهش فقر شده است؟

ادبیات تحقیق

طرفداران گردشگری حامی فقرا معتقد هستند: اگرچه گردشگری یک فعالیت عمده کلان اقتصادی است، اما پتانسیل بزرگ‌تری برای کاهش فقر در دیگر بخش‌ها را نیز دارد زیرا دارای مشخصات منحصر به فردی است.

1. Narayan-Parker

2. World Bank

3. Salehi-Isfahani

4. Zarandian, Shalbfafian, Ryan, & Bidokhti

نخست اینکه گردشگری فعالیتی متنوع و رو به رشد است که از این جهت فرصت‌های شغلی بسیاری پیش روی افراد فقیر قرار می‌دهد (چوک، مک‌بث و وارن، ۱، ۲۰۰۷؛ هال، ۲، ۲۰۰۷؛ هریسون، ۲۰۰۸؛ یونسون، ۳، ۲۰۱۲)؛ دوم اینکه گردشگری برخلاف بسیاری دیگر از فعالیت‌ها، اتکای زیادی به نیروی انسانی دارد؛ سوم برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار کوچک در عرصه‌های گردشگری به سرمایه زیادی نیاز ندارد؛ چهارم اینکه زنان می‌توانند در این فعالیت بخش مهمی از نیروی کار را تشکیل دهند (ترونگ و همکاران، ۴، ۲۰۱۴) و از سوی دیگر به سبب توسعه کمی و کیفی گروه‌های آسیب‌پذیر در ایجاد سازوکارهای متناسب با بهبود مستمر به نفع فقرا، می‌توانند در آینده نقش مهمی در افزایش کیفیت محیطی پایدار در مناطق روستایی ایفا نمایند (چوک و همکاران، ۵، ۲۰۰۷؛ سائتو و همکاران، ۶، ۲۰۱۶؛ ترونگ، ۲۰۱۴).

بنابراین با توجه به ادبیات گردشگری حامی فقرا، این رویکرد به روستاییان فقیر در قالب توسعه گردشگری از مسیرهای متفاوت کمک می‌کند (کروز، ۷، ۲۰۱۴؛ دنت و پترز، ۸، ۱۹۹۹؛ اریکسون و کووالاینن، ۹، ۲۰۱۵؛ هال، ۲۰۰۷) تا خود را با محیط نوین سازگار نمایند و آن را تحت سلطه‌ی خود درآورند و به واسطه‌ی تغییر رفتار، در جهت سازش با شرایط در حال تغییر، به صورت کارکنان مولد و توانا مبدل سازند (جانسون، ۲۰۱۲) به طوری که سیاست‌های اصلی گردشگری حامی فقرا یعنی افزایش فرصت، امنیت و توانمندسازی فقرا را با توجه به ابعاد توسعه پایدار در مناطق روستایی نهادینه شود (ژائو، ۲۰۰۹) علاوه بر اثرات مثبت این رویکرد بر گروه‌های فقیر، سایر گروه‌های اجتماعی نیز از پیامدهای مثبت این فرآیند بی‌بهره نخواهند بود. به طور کلی، استفاده از این رویکرد و به کارگیری آن در برنامه‌های توسعه گردشگری موجب افزایش منافع اقتصادی و غیراقتصادی در بین گروه‌های فقر روستایی خواهد شد (شارپلی و تفلر، ۲۰۱۴) در نهایت این امر رضایت درونی، افزایش سطوح انگیزه و اعتماد به نفس، خود شکوفایی را در بین فقرای

1. Chok, Macbeth, & Warren

2. Hall

3. Jönsson

4. Truong, Hall, & Garry

5. Chok, Macbeth, & Warren

6. Saito, Ruhanen, & Noakes

7. Croes

8. Dent & Peters

9. Gascón

روستایی در پی خواهد داشت (انور^۱، ۲۰۱۲؛ اشلی و همکاران، ۲۰۰۰؛ اشلی و میچل، ۲۰۰۹؛ چی و ونز، ۲۰۰۷؛ چی ونز و راسل، ۲۰۱۲b).

همان‌طور که گفته شد گردشگری حامی فقرا با دوری از روش‌های مؤسسات خیریه سنتی، رویکردی مبتنی بر توانمندسازی، ایجاد فرصت و امنیت را پیشنهاد می‌دهد (ژائو، ۲۰۰۹؛ ژائو و ریچارد، ۲۰۰۷)، تحقیقات بانک جهانی نیز نشان از ناکارآمدی مؤسسات خیریه سنتی دارد (ناریان پارکر، ۲۰۰۲) بانک جهانی (۲۰۰۲) معتقد است وابستگی بیش‌ازحد فقرا به کمک‌های مالی مستقیم، انگیزه آن‌ها را برای بهبود زندگی خویش از بین خواهد برد.

بنابراین چی و ونز و راسل (۲۰۱۲) به توصیه بانک جهانی در مطالعه خویش بر این عقیده‌اند که گردشگری از سه راه ایجاد فرصت، امنیت و افزایش توانمندی فقرا می‌تواند به کاهش فقر در مناطق روستایی کمک نماید. ایجاد فرصت برای فقرا به معنای آن است که فقرا باید به ظرفیت‌های اقتصادی مبتنی بر گردشگری دسترسی پیدا کنند (لاستینگ و استرن^۲، ۲۰۰۰)؛ فرصت‌هایی نظیر ایجاد اشتغال، کسب درآمد از فروش کالا و یا خدمات... ژائو و ریچی (۲۰۰۷) بر این باورند که فرصت‌های به وجود آمده باید در دراز مدت اعتماد به نفس فقرا را افزایش دهد. دومین جزء، توانمندسازی فقرا است؛ در مفهوم سیاسی هدف افزایش نفوذ فقرا، تقویت مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری سیاسی و محلی است. در مفهوم اقتصادی، توانمندسازی رفع موانع در راستای افزایش نفوذ و تعامل مؤثرتر فقرا در بازار گردشگری است. سومین جزء امنیت است. امنیت به کاهش آسیب‌پذیری فقرا در مقابل خطرات مختلف از جمله شوک‌های اقتصادی و بلایای طبیعی توجه دارد؛ زیرا از آنجا که خانواده‌های فقیر فاقد منابع متنوع درآمدی و سرمایه‌ای هستند هنگامی که در مسیر شوک‌ها قرار گیرند به راحتی نا امید و به حاشیه پرتاب می‌شوند. همان‌طور که ادیسون (۲۰۰۵) می‌گوید باید توجه داشت که اگرچه رشد اقتصادی می‌تواند تا حدی سبب کاهش فقر شود اما لازم است سیاست‌های حامی فقرا برای حداکثرسازی منافع رشد برای افراد فقیر حاصل شود؛ بنابراین اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مناسب، پتانسیل‌های آن را دارد که میلیون‌ها نفر را از شرایط فقر بخصوص در مناطق روستایی، جایی که

می‌توان بیشترین فقرا را مشاهده کرد، خارج نمود. با این حال اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مناسب و عملکرد درست تنها در موضوعی فنی نیست بلکه نیازمند تعدیلات سیاسی دقیق در مورد چگونگی پیشبرد تغییرات اقتصادی - اجتماعی است که بهترین شانس برای پیشرفت است. با توجه به مطالب گفته‌شده گردشگری می‌تواند معیاری برای بهتر کردن شرایط برخی از جوامع فقیرتر باشد که آسیب‌پذیری گروه‌های فقیر را نسبت به تمام شوک‌های محیطی به شکل محسوسی کاهش دهد.

روش پژوهش

این مطالعه از نوع کیفی و مبتنی بر فلسفه طبیعت‌گرایانه و پارادایم تفسیری بود و در آن از تحلیل محتوای عرفی برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید. روش تحلیل محتوا روشی است که به منظور تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی به کار می‌رود و کاربرد آن زمانی مناسب است که نظریه و متون پژوهشی کافی در مورد پدیده وجود ندارد. از آنجا که این تکنیک دانش و بینشی جدید و بیانی از واقعیت ارائه می‌دهد، در تحقیق حاضر از این رویکرد به منظور ارزیابی گردشگری و کاهش فقر در سه روستای منتخب از نظر ذی‌نفعان انتخاب شد. برای تحلیل محتوای داده‌های کیفی از روش آنالیز پنج مرحله‌ای گرانهیمو لاندمن^۱ استفاده شد که مراحل آن شامل «پیاده‌سازی کل مصاحبه بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه، خواندن کل متن برای درک کلی از محتوای آن، تعیین واحدهای معنا و کدهای اولیه، طبقه‌بندی کدهای اولیه مشابه در طبقات جامع‌تر و تعیین درون‌مایه اصلی طبقات» بود.

انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع گوله‌برفی بوده است. به طوری که از هر شرکت‌کننده بعد از مصاحبه خواسته شد تا به معرفی افراد دیگر با ذکر آدرس محل سکونت آن‌ها بپردازند. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته از افرادی که به مدت ۲ تا ۷ سال در فعالیت‌های گردشگری این منطقه مشارکت داشته‌اند از قبیل فقرا، افرادی که از دایره فقر خارج شده‌اند، مدیران محلی، ساکنان و سرمایه‌گذاران به دست آمده است. فرایند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری و آستانه سودمندی اطلاعات، ادامه یافت (جدول ۱). مصاحبه‌ها با گرفتن وقت قبلی از مشارکت‌کنندگان و در محیط کار این افراد صورت گرفت. قبل از شروع مصاحبه، هدف تحقیق برای شرکت‌کنندگان بازگو شد و از آن‌ها برای

1. Graneheim & Lundman

شرکت در تحقیق و استفاده از ضبط مصاحبه اجازه و رضایت‌نامه کتبی دریافت گردید و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست‌آمده در اختیار افراد دیگری گذاشته نمی‌شود. سپس سؤالات اصلی به ترتیب توسط گروه تحقیق که متشکل از سه متخصص گردشگری بودند، مطرح گردید. مدت زمان مصاحبه ۳۵ دقیقه با انحراف معیار ۱۰ دقیقه بود. سؤال اصلی در رابطه با تجارب گردشگری و کاهش فقر آغاز شد.

- وقتی از گردشگری و کاهش فقر صحبت می‌شود چه خاطره‌ای در ذهن شما تداعی می‌شود؟
 - وقتی از گردشگری و کاهش فقر صحبت می‌شود، به یاد چه تجربه‌ای در محیط کاری خود می‌افتید؟
- فرایند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری و آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس، ادامه یافت. به این ترتیب که پس از برگزاری این شمار مصاحبه (۳۰ مصاحبه)، گروه تحقیق به این نتیجه رسید که ضمن دستیابی به شناخت مورد نظر، نمی‌توان اطلاعات بیشتری از این شیوه به دست آورد.
- ابتدا متن ضبط‌شده مصاحبه به منظور ایجاد حس قرابت با مفاهیم نهفته در داده‌ها چندین بار شنوده؛ سپس به متن کتبی تبدیل شد و پس از چند مرتبه خوانش متن از ابتدا تا انتها، در نهایت خلاصه‌ای از کل مصاحبه تهیه شد. این عمل به محقق کمک نمود تا در جریان کدگذاری راحت‌تر بتواند مفاهیم اولیه نهفته در داده‌ها را کشف نماید. برنامه نرم‌افزار کامپیوتر NVIVO نسخه ۱۰ به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کدهای منظم مورد استفاده قرار گرفت. سپس تم‌های اصلی و زیر تم‌ها استخراج شدند.
- برای قضاوت در مورد اعتبار یافته‌ها، از چهار معیار سنجش اعتبار پژوهش‌های کیفی یعنی قابل قبول بودن، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری استفاده شد. جهت تعیین قابل قبول بودن مطالعه از شیوه بررسی مشارکت‌کنندگان استفاده شد. به این ترتیب که نتایج تحلیل و مقوله‌بندی حاصل از مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده و از آن‌ها خواسته شد اعتبار نتایج به‌دست‌آمده را بررسی کنند. در رابطه با انتقال‌پذیری سعی شد از توصیف عمیق استفاده شود. به این ترتیب که توصیف جزئی و گزارش‌های آنان با جزئیات دقیق بیان گردد تا قابلیت انتقال‌پذیری به وجود آید. برای قابلیت اطمینان یافته‌ها سعی شد تا فرآیندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح تشریح گردد. در این مطالعات دو اصل مهم اخلاقی، حفاظت از حقوق مشارکت‌کنندگان و محرمانه نگه داشتن داده‌ها رعایت گردید. حق خروج از

پژوهش برای هر یک از شرکت‌کنندگان محفوظ بوده است، زمان مصاحبه نیز بنا به تحمل مشارکت‌کنندگان تنظیم شد.

جدول ۱. مشارکت‌کنندگان

جنسیت		تعداد	مشارکت‌کنندگان
زن	مرد		
۱	۴	۵	فقرا
۳	۷	۱۰	افراد خارج‌شده از فقر
۰	۵	۵	مدبران محلی
۰	۳	۳	سرمایه‌گذاران
۲	۵	۷	ساکنین محلی
۶	۲۴	۳۰	کل

منبع: پژوهش محققان

یافته‌های تحقیق

در بیان تجارب از مشارکت‌کنندگان مشخص گردید که طبقه کاهش نسبی فقر و زیر طبقات آن شامل: اثرات مستقیم طبیعت‌گردی بر فقرا، اثرات غیرمستقیم و ایجاد بر فقرا و اثرات پویا، پیامدهای راهبرد-های یا کنش متقابل فقرا بوده است. در ادامه به تفصیل هر کدام از آن‌ها، از طریق نقل قول‌ها از زبان مشارکت‌کنندگان، تشریح خواهد شد. در جدول (۲) مقوله‌ها و زیر مقوله‌های طبقه کشف‌شده نشان داده شده است.

جدول ۲. مقوله‌های پیامدها به همراه زیر مقوله‌ها و ابعاد آن

کد محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریز طبقات (ابعاد ویژگی‌ها)	
کاهش نسبی فقر	رشته باغداری	دست‌فروشی	افزایش پایگاه‌های فروش محصولات/ارتقای درآمدهای خانواده‌هایی که اقدام به دست‌فروشی کرده‌اند تا ۲ برابر/ فروش محصولات کشاورزان به صورت مستقیم به گردشگران/ فراوری بیشتر محصولات کشاورزی و باغی/ ایجاد اشتغال برای زنان در فعالیتهای دست‌فروشی
		راهنمای محلی	افزایش راهنماهای محلی، انتخاب شغل دوم به‌عنوان راهنمای محلی/ ارتقای فرزندان فقرا برای راهنمای محلی شدن
		فعالیت در اقامتگاه‌های بوم گردی	فقرا به‌عنوان کارگر در اقامتگاه‌های بوم گردی/ فقرا به‌عنوان متصدی اقامتگاه‌های بوم گردی/ مشارکت فقرا در ساخت و بهره‌برداری اقامتگاه‌های بوم گردی/ مشارکت سرمایه‌گذاران با فقرا برای احداث اقامتگاه‌های بوم گردی/
		اجاره خانه	افزایش درآمد از طریق اجاره‌های خانه‌ها به فقرا/ همکاری بین افراد خانواده‌ها برای بازاریابی و دعوت گردشگران به خانه‌های خود/ تغییر خانه‌های خود برای جذب گردشگر/ گرفتن پول چایی از گردشگران/ افزایش فروش غذاهای خانگی خود به گردشگران/
	مقاصد تفریحی و تفریحی	تهیه غذا و نوشیدنی	تهیه بخشی از غذای اقامت‌های بوم گردی از فقرای روستا/ رونق پخت غذاهای محلی و فروش برای نمایشگاه‌ها/ تهیه غذا برای کسانی که خانه‌های خود را اجاره داده‌اند/ افزایش تقاضا بخشی از اقامت گاه‌های بوم گردی برای خرید لبنیات سنتی از فقرا،
		عرضه صنایع دستی	تولید صنایع دستی برای اقامتگاه‌های بوم گردی/ تولید صنایع دستی برای متصدیان و غرفه داران نمایشگاه‌ها/ افزایش تقاضا برای عرضه
		منافع کشاورزان فقیر	رونق فروش برخی از محصولات کشاورزی و باغی فقرا، افزایش بهره‌وری و فروش محصولات باقیمت بالاتر / فروش محصولات به‌طور مستقیم به اقامتگاه‌های بوم گردی / فروش مستقیم محصولات به افرادی که خانه خود را به گردشگران اجاره می‌دهند/
	روند توسعه	آموزش و مهارت‌های برای برخی از فقرا	افزایش مهارت مهمان‌نوازی برای برخی از فقرا/ افزایش مهارت‌های آشپزی برخی از فقرا/ آشنایی با روش‌های بسته‌بندی و ارتقای کیفیت محصولات و فراورده‌های کشاورزی و باغی / افزایش مهارت‌های مدیریت برخی از فقرای روستایی/ تعامل با فقرا با گردشگران و ساکنان عادی روستا و در نتیجه ارتقای مهارت‌های عمومی آن‌ها/
		توسعه زیرساخت‌ها و کمک به فقرا	بهبود شبکه راه‌ها و تسهیل کارگران به روستاهای هم‌جوار و شهرهای اطراف/ دسترسی بیشتر به محصولات و منابعی که قبلاً باید از شهر تأمین می‌شد/ ساخت مدارس باکیفیت‌تر/ افزایش قیمت خانه و مستغلات برخی از فقرای روستایی/ بهسازی و تعمیر بافت و نمای بیرونی خانه‌های روستایی با همکاری میراث فرهنگی و بنیاد مسکن اسلامی/
		بهبود روابط و افزایش میل به مشارکت	افزایش نسبی میل به مشارکت در نشست‌های توسعه روستا/ شرکت برخی از فقرا موفق در انتخابات شورای اسلامی روستا/ افزایش تعامل آن‌ها با سایر اهالی روستا/ افزایش نسبی برخی از فقرا در همکاری با نهاد دهیاری

منافع مستقیم و غیرمستقیم

به منظور ارزیابی پیامدهای طبیعت‌گردی بر کاهش فقر از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا تجربه خود را قبل و بعد از توسعه طبیعت‌گردی مقایسه کنند. همان‌طور که گفته شد، مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که در سال‌های گذشته به علت شرایط آب‌وهوایی بیابانی و کمبود منابع آب، اشتغال مردم عموماً کشاورزی و شکار حیوانات (پرنده‌گان، بز کوهی و ...) در مقیاس بسیار کوچک بوده است. این شرایط خاص فقر و آسیب‌پذیری را در برابر شوک‌های محیطی مانند خشک‌سالی افزایش داده بود؛ بنابراین بسیاری از مردم این منطقه از حداقل نیازهای اساسی برخوردار بودند. به طوری که محصولات تولیدی روستا عمدتاً برای مصرف خود خانوار بوده است. در این رابطه یکی از ساکنان ادعا می‌کرد که:

«افراد این روستاها تأمین معیشت‌شان همیشه مبتنی بر ترس بوده است به طوری که اگر محصولات در اوایل بهار دچار سرمازدگی می‌شد یا با کمبود آب شدید روبرو می‌شدیم خانواده‌ها دیگر توان تأمین حداقل مایحتاج خود را نداشتند. یادم هست که خانواده‌ام شب‌هایی را بدون غذا می‌خوابیدند.»

از سوی دیگر، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که طبیعت‌گردی توانسته است بخشی از فقرای روستایی را از مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم و اثرات پویا منتفع نماید. اثرات مستقیم طبیعت‌گردی در روستاهای منتخب مشتمل بر درآمدهای حاصل از کار و همچنین منافع حاصل از گیرکار و اثرات معیشتی هستند. مورد اول به دستمزدهای بخش رسمی و درآمدهای ناشی از بنگاه‌های غیررسمی کوچک و خرد مرتبط است. همچنین اثرات غیرمستقیم برای پوشش جریان‌های بین بخش‌های طبیعت‌گردی و غیرطبیعت‌گردی در روستاهای منتخب را در بر می‌گیرد. این مفهوم عموماً به ارتباطات پیشین در زنجیره طبیعت‌گردی و اثرات آن بر فقرای روستای منتخب، تأکید دارد. نوع دیگر تأثیرات ثانویه، تأثیر ایجابی است. این مفهوم نیز بر خرج‌کرد درآمدهای بخش گردشگری در روستاهای منتخب اشاره دارد. به هر حال ذی‌نفعان معتقد بودند که توسعه طبیعت‌گردی فرصت‌های اشتغال رسمی و غیررسمی را برای فقرا به وجود آورده است. به طوری که این مهم توانسته است ابزار مناسبی برای بهبود کیفیت زندگی افرادی باشد که دارای کمترین مهارت‌ها هستند.

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بخشی از فقرا توانسته‌اند در مشاغل رسمی طبیعت‌گردی از قبیل فعالیت در اقامتگاه‌های بوم‌گردی، فروشگاه‌ها و رستوران‌ها و محیط‌بان در پارک ملی توران مشغول کار شوند.

این بخش از فقرا به‌طور متوسط از حقوق ماهیانه حدود هشتصد تا یک میلیون و دویست هزار تومان به‌طور معمولدر شش تا ۸ ماه‌سال، برخوردارند. تعدادی دیگر از فقرا نیز در بخش غیررسمی از قبیل اجاره دادن خانه شخصی، عرضه محصولات کشاورزی، باغی و صنایع‌دستی مشغول به کار شدند. دولت نیز برای حمایت و ساماندهی بخش غیررسمی نمایشگاه‌هایی را به‌صورت رایگان در نظر گرفته بود که به رونق بخش غیررسمی طبیعت‌گردی کمک مهم‌یکرده بود. یکی از فقرا اظهار می‌کرد:

«وضعیت درآمدی خانواده ما خیلی بهتر شده است می‌توانم بگویم قابل‌مقایسه با قبل نیست و همه اعضای پنج نفر خانواده مشغول به کار هستیم و زن (همسر) بچه‌هایم در خانه تشری، غذای محلی ... آماده می‌کنند و من مسئول فروش هستم. علاوه بر این زمین‌های کشاورزی داریم که هرساله روی آن‌ها کشت می‌کنیم و محصولات را در نمایشگاه‌ها به فروش می‌رسانیم. دیگر هزینه حمل‌ونقل به شهر هم نمی‌پردازیم یا به دلالت‌ها به قیمت پایین نمی‌فروشیم.»

افرادی نیز بودند که ادعا می‌کردند که در سالیان گذشته از فقر شدیدی رنج می‌برند ولی توانسته‌اند به تدریج خود را از فقر‌رهایی ببخشند. یکی از افراد که از دایره فقر خارج شده بود اظهار می‌داشت که:

«تا قبل از اینکه وارد این کار شوم بیکار بودم به‌صورت اتفاقی دریکی از اقامتگاه‌های بوم‌گردی که تازه تأسیس شده بود استخدام شدم. بعد از مدتی باکار آشنا و متوجه شدم که چگونه می‌توانم یک اقامتگاه بوم‌گردی را اداره کنم. با سرمایه اندک خانه پدریم را به‌زحمت بازسازی کردم و الان صاحب اقامتگاه بوم‌گردی هستم.»

با این‌حال فقرا معتقد بودند که درصد کمی از درآمد حاصل از طبیعت‌گردی نصیب آنان می‌شود و بخش اعظم این درآمدها نصیب گروه‌های مسلط می‌گردد؛ اما تمرکز گردشگری حامی فقرا فقط منحصر به فقرا نمی‌شود حتی ممکن است ثروتمندان، ثروتمندتر هم شوند؛ بنابراین باوجود بهبود نسبی وضعیت فقرا، طبیعت‌گردی باعث افزایش نابرابری در روستاهای منتخب شده بود. با وجود تلاش فقرا برای مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با طبیعت‌گردی، بخشی از فقرای روستاهای منتخب به علت عدم توانایی و آگاهی، فرصت دخالت در کسب‌وکارهای طبیعت‌گردی را به دست نیاوردند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که نقش دولت در توسعه طبیعت‌گردی روستاهای منتخب و میزان اثرات آن بر فقرا، بسیار چشمگیر است. به طوری که تقریباً تمام امکانات و زیرساخت‌های طبیعت‌گردی به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت تهیه گردیده است؛ اما دولت اکثر تسهیلات مالی خود را به گروه‌های نسبتاً توانمند اعطا می‌کند. یکی از مدیران محلی ادعا می‌کرد که:

«بینید کاری که انجام می‌دهیم باید منطقی باشد به نظر شما این چیزهایی که می‌گویید مثل فقرزدایی و توانمندسازی فقرا ... اصلاً شدنی است؟ باید کار رو دست کسی بسپاریم که کاردان باشد نه اینکه بسپاریم به دست کسانی که می‌دانیم می‌دوند و نمی‌توانند... اگر آموزش‌ها و منابع مالی را به افرادی که توانمندی دارند تعلق بدهیم مطمئن باشید که فقرا هم کار و درآمدشان به طور مستقیم و غیر مستقیم افزایش خواهد یافت.»

بنابراین سیاست‌های دولت برای کمک به فقرا غیرمستقیم و با واسطه گروه‌های مسلط است. این خود باعث افزایش نابرابری بین گروه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی در روستاهای منتخب شده بود. همچنین روابط نابرابر قدرت برای به دست آوردن تسهیلات دولتی به وضوح قابل رؤیت بود؛ و فقط گروه‌هایی که از قدرت کافی برخوردار بودند می‌توانستند از این تسهیلات برخوردار شوند. به طوری که شواهد تجربی نشان می‌دهد که سهم فقرا از تسهیلات دریافتی نزدیک به صفر بود. یکی از فقرا اظهار می‌داشت که:

«اما اصلاً خبر نداریم که چنین تسهیلاتی وجود دارد، کسانی که با دولت ارتباط دارند این پول‌ها را می‌گیرند... اگر مشکلی وجود نداشته باشد و بخواهیم این پول‌ها را بگیریم آنقدر شرایط سخت است که از عهده ما بر نمی‌آید.»

همچنین فقرا ادعا می‌کردند کارفرمایان برای فرار از قوانین کار در ایران از بیمه کردن کارگران اجتناب می‌کنند، بنابراین این گروه از امنیت شغلی بسیار پایینی برخوردارند. یکی از کارگران اقامتگاه‌ها ادعا می‌کرد که:

«من دو سال است که مشغول به کار در این اقامت‌گاه شده‌ام... از کارم رضایت کامل دارم ... اما اگر مرا اخراج کنند کجا باید بروم؟ کدام سازمان از من حمایت می‌کند؟ اصلاً قراردادی ندارم که بخواهم ادعایم را ثابت کنم!»

بنابراین توسعه طبیعت‌گردی باوجود افزایش درآمد و اشتغال باعث ایجاد امنیت در بین فقرای روستایی نشده است. این در حالی است که یکی از اهداف گردشگری حامی فقرا ایجاد امنیت است. با این حال نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد ایجاد شغل و افزایش درآمد فقرا، باعث کاهش وابستگی آنان به نهادهای خیریه دولتی شده است. در این رابطه یکی از فقرا در یکی از روستاها ادعا می‌کرد که:

«کمک‌های دولت بسیاری از مشکلات ما را حل کرده است من هم از کمیته امام پول دریافت می‌کنم هم از یارانه‌ها... اما از وقتی که شروع به کار کرده‌ام پول یارانه‌ها را به زخم می‌دهم که برای خودش خرج کند.»

باوجود اینکه طبیعت‌گردی توانسته بود در مشاغل رسمی و غیررسمی (فعالیت‌های مستقیم) برای مردم فقیر فرصت‌هایی را به وجود آورد؛ اما مزایای مسیرهای غیرمستقیم و ایجابی برای جامعه محلی به صورت عام و فقرای روستایی به طور خاص، بسیار پایین بود. بدین معنا که به علت ضعف بخش‌های غیر طبیعت‌گردی در روستاهای منتخب، این بخش‌ها نتوانسته‌اند پیوندهای مناسبی با بخش طبیعت‌گردی برقرار نمایند. به عنوان مثال، اکثر مواد اولیه خوارکی اقامتگاه‌های بوم‌گردی و یا مایحتاج اولیه تورهای ورودی به روستاهای منتخب از خارج از روستا تأمین می‌شد. در صورتی که بخش غیر گردشگری مبتنی بر کسب‌وکار فقرا، ظرفیت بیشتری برای تولید و یا ارائه خدمات به بخش گردشگری داشتند. همچنین باید این نکته را در نظر داشت که پیوندهای غیرمستقیم می‌تواند تعداد بسیار از افراد فقیر را تحت تأثیر قرار دهد و به طور اساسی به جریان‌های مالی معطوف به فقرا کمک نماید. یکی از مدیران اقامتگاه‌های بوم‌گردی در این زمینه می‌گوید:

«روزهایی که شلوغ باشه روزی نزدیک به ۵۰۰ هزار تومن خرید دارم. ولی بیشتر مواقع جنس در روستا نیست و باید از بیرون تهیه کنم... خیلی از خانواده‌ها هستند (از جمله خانواده‌های فقیر) که من از آن‌ها جنس می‌خرم ولی بعضی وقتها مجبورم از بیرون تهیه کنم... یا برخی از اجناس در روستاهای کناری یا داخل شهر با کیفیت بهتری تهیه می‌شوند و مجبورم برای مشتری‌داری از آن‌ها خرید کنم... اگر مشکلات برطرف شود مطمئناً از اینها خرید می‌کنم، من که با این موضوع مشکلی ندارم از خدام هست که خیریه به همه برسد.»

یکی دیگر از مشکلات اثرات ایجابی طبیعت‌گردی بر فقرای روستاهای منتخب بود. باوجود اینکه درآمدهای حاصل از طبیعت‌گردی در روستاهای منتخب با توجه به جمعیت و اقتصاد روستاها، قابل توجه بود اما اکثر درآمدها به خارج روستا انتقال می‌یافت؛ بنابراین نشت اقتصادی در روستاهای منتخب نیز بسیار بالا بود.

ذی‌نفعان معتقد بودند که ظرفیت‌های پایین سرمایه‌گذاری در روستا و همچنین غیربومی بودن برخی از سرمایه‌گذاران و مالکان تأسیسات طبیعت‌گردی، باعث افزایش نشت اقتصادی طبیعت‌گردی در این روستاها شده است.

نتایج نشان می‌دهد که افرادی که در مشاغل رسمی مشغول به کار شده‌اند وابستگی آن‌ها به این نهادهای خیریه قطع شده؛ اما افرادی که در مشاغل غیررسمی گردشگری مشغول به کار شده‌اند فقط میزان وابستگی کاهش یافته است. مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که در سال‌های گذشته کمک نهادهای دولتی نزدیک به ۶۰ درصد هزینه زندگی آنان را در برمی‌گرفت؛ اما حال میزان وابستگی به‌طور میانگین تا ۲۵ درصد کاهش یافته است.

اثرات پویا

ممکن است بخش گردشگری علاوه بر اثرات ایستایی مستقیم و غیرمستقیم که در زمان هزینه گردشگری رخ می‌دهد، اثرات پویای دراز مدت را نیز سبب گردد. این اثرات می‌توانند در سطوح مختلف، از محلی تا ملی رخ دهد. به ویژه ممکن است اثراتی در سطح مقصد احساس شود و از این رو ممکن است در کل به‌عنوان هادیان توسعه اقتصاد محلی ملاحظه گردد.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، به علت نبود سازمان‌های مردم‌نهاد ۱ معتبر، نقش دولت در توانمندسازی فقرا بسیار پررنگ بود به‌طوری‌که دولت عمده‌تأ مسئولیت آموزش و افزایش مهارت جامعه محلی و فقرا را بر عهده گرفته است.

یکی از این مهارت‌ها را می‌توان آشنایی فقرا با استانداردهای تولید برشمرد. خانواده‌های فقیر محصولات خود را با نظارت وزارت بهداشت و درمان ایران در بازارچه‌های تدارک دیده شده عرضه می‌کردند. این وزارت-خانه وظیفه دارد با ارائه آموزش‌های لازم، تولیدات استاندارد را در بین افراد کم‌توان، ترویج دهد. یکی از فقرا اظهار می‌داشت:

«آن‌ها به ما آموزش دادند که چطور باید تولیدات خود را به استاندارد نزدیک کنیم! هفته‌ای دو جلسه آموزشی برای ما برگزار می‌کردند و همه‌کسانی که می‌خواستند محصولاتشان را عرضه کنند باید در کلاس حضور می‌داشتند.»

یکی از مدیران محلی نیز ادعا می‌کند:

«سازمان فنی و حرفه‌ای ایران هم با سازمان‌دهی جدید خود سعی کرده است آموزش‌های مهارتی را که گروه‌های روستایی بخصوص گروه‌های آسیب‌پذیر به آن نیازمند هستند رایگان در اختیار آنان قرار دهد.» همان‌طور که در بخش محدودیت‌ها گفته شد باوجود تلاش فقرا برای یادگیری و مهارت‌افزایی، عدالت آموزشی مهارتی بین در طبقه‌های مختلف اجتماعی مشاهده نمی‌شد. بخشی از فقرا در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کردند اما ساختار آموزش‌های کسب‌وکارهای گردشگری برای گروه‌های مسلط طراحی شده بود. به‌طوری‌که این آموزش‌ها برای افرادی در نظر گرفته شده بود که آگاهی و سرمایه کافی برای فعالیت در کسب و کارهای گردشگری را داشتند. لذا آموزش‌ها نتوانسته بود باعث افزایش مهارت‌های بخش بزرگی از فقرای روستایی شود. یکی از فقرای روستایی ادعا می‌کرد:

«من در این کلاس‌ها شرکت کردم ولی اصلاً متوجه نشدم آن‌ها در رابطه با چه چیزی صحبت می‌کنند ... برای همین دیگر در این کلاس‌ها شرکت نکردم.»

یا یکی از نمایندگان صاحبان اقامتگاه‌های بوم‌گردی اظهار می‌داشت:

«اکثر کلاس‌های آموزشی مورد نیاز به درخواست دهیاری یا اقامتگاه‌های بوم‌گردی از دولت درخواست می‌شود ... اگر احساس کنیم که در کسب‌وکارمان با مشکلاتی مواجه هستیم درخواست آموزش می‌دهیم.» این در صورتی است که فقرا برای ورود به فعالیت‌های گردشگری به غیر از آموزش‌های تخصصی، ابتدا نیازمند آموزش‌های ویژه و پایه‌ای هستند تا بتوانند در زمینه مهارت‌های پایه‌ای‌گاهی به دست آورند.

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد گردشگری توانسته است فقط مهارت‌های کسب‌وکار فقرا را افزایش دهد؛ اما در سایر ابعاد توانمندسازی ناموفق بوده است. در واقع مدیریت گردشگری با برنامه‌ریزی بالا به پایین، به تمامی ذی‌نفعان اجازه دخالت و مشارکت واقعی را نمی‌دهد و سعی دارد برنامه‌های خود را به

صورت دستوری پیاده‌سازی کند. بدین خاطر هیچ گروهی در روستاهای مورد مطالعه، به معنای واقعی در برنامه‌های گردشگری مشارکت داده نشده است. یکی از سرمایه‌گذاران اظهار می‌داشت که:

«دولت نزدیک به ۸۰ درصد منابع مالی پروژه‌های گردشگری را تأمین می‌کند. نیازی به مشارکت سایر افراد هم ندارد... هیچ انتقادی هم قبول نمی‌کند و چون پول این پروژه‌ها از بودجه‌های دولتی تأمین می‌شود اگر شکست هم بخورد فکر نمی‌کنم برای دولت اهمیتی داشته باشد.»

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دولت مفهوم توانمندسازی را در افزایش مهارت می‌داند و برای تفویض اختیار و افزایش قدرت اهمیت قائل نیست. پژوهش‌ها در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که حکومت داری ضعیف می‌تواند اثربخشی تلاش‌ها را برای کاهش فقر از طریق گردشگری کاهش دهد.

نتایج نشان می‌دهد که تقریباً تمامی برنامه‌ها و منابع مالی توسعه گردشگری در روستاهای منتخب به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت تأمین شده است. در این برنامه‌ها مشارکت واقعی تمامی ذی‌نفعان نادیده انگاشته شده است. ساختار متمرکز به‌صورت سیستماتیک اجازه مشارکت ذی‌نفعان را نمی‌دهد به‌طوری‌که سیاست‌های گردشگری روستایی از بالا به پایین به آن‌ها دیکته می‌شود؛ اما در مواردی مشاهده می‌گردید که با فراموشی طبقه فقیر، نظرخواهی از طبقه مسلط صورت می‌پذیرفت. یکی از ساکنان در رابطه با نحوه مشارکت ذی‌نفعان اظهار می‌داشت که:

«از زمان شروع طرح توسعه گردشگری به ما گفتند که این‌یک پروژه‌ها مشارکتی است؛ اما بعد از مدتی پرسش‌نامه‌ای برای ما آوردند و از ما پرسیدند که چقدر از این پروژه‌ها رضایت دارید و آیا در صورت نیاز علاقه‌مند به مشارکت هستید؟ یا خیر؟»

یکی از مدیران روستا در این رابطه اظهار می‌کرد که:

«یکی از اهداف توسعه گردشگری کاهش فقر در روستاها بوده است. ولی من مشاهده نکردم که اصلاً به فقرای روستا بهایی داده شود. اعتقاد بر آن بوده است که با توسعه گردشگری فقرا هم به‌طور غیرمستقیم از مزایای گردشگری بهره خواهند برد.»

بنابراین برنامه‌های مشارکتی از نظر دولت در سطح نظرخواهی در طبقه مسلط روستایی و مدیران محلی محدود شده است.

با وجود مقاومت سازمان‌های دولتی توسعه بازارهای گردشگری سبب افزایش خودمدیریتی و حس مشارکت پذیری در بین همه ذی‌نفعان بخصوص فقرا گردیده است. به طوری که فقرایی که در کسب و کارهای گردشگری موفق به افزایش کیفیت زندگی خود شده بودند درخواست‌های جدیدی نیز داشتند. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که در گذشته تنها درخواست فقرا تخصیص منابع مالی بیشتر به آنان بود. آن‌ها انتظار داشتند دولت منابع مالی بیشتری به آن‌ها اختصاص دهد. ولی این گروه پس از رفع نیازهای معیشتی به دنبال، شبکه سازی، مشارکت بیشتر در انجمن‌های تازه تأسیس گردشگری و خواستار نقشی فعال در مدیریت محلی هستند. در این رابطه یکی از اعضای شورای اسلامی روستا ادعا می‌کرد که:

«افرادی هستند که در گذشته از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نبودند اما از زمانی که وارد کسب کار گردشگری شدند وضعیتشان بهبود یافته، در بسیاری از انجمن‌های گردشگری که به تازگی تأسیس شده شرکت می‌کنند یا چند نفری از آنان در انتخابات دوره قبل شورای روستا شرکت کرده بودند.»

همچنین گردشگری تا حدودی توانسته است فقرا را همچون سایر ذی‌نفعان به مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست ترغیب کند. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که دیگر شکار گسترده‌ای برای معاش در منطقه دیده نمی‌شود. یکی از فقرا اظهار می‌داشت که:

«با وجود اینکه دولت قوانین سختی را برای شکار در نظر گرفته است اما دلیل واقعی کاهش شکار توسعه صنعت گردشگری است. اعتراف می‌کنم که قبلاً من زیاد به شکار می‌رفتم چون نیاز بود شکم خانواده‌ام را سیر کنم. ولی الان درآمد از گردشگری تأمین می‌شود. گردشگران می‌آیند این حیوانات را ببینند. الان دیگر زنده این حیوانات بدرد ما می‌خورد تا مرده آن‌ها.»

حفاظت از حیوانات دیگر توسط فقرا نیز مورد توجه قرار گرفت. بخشی از فقرای روستایی که در بخش گردشگری فعالیت داشتند یا کسانی که در سال‌های قبل فقیر بوده و به واسطه طبیعت‌گردی از دایره فقر خارج شده بودند، اطراف روستا محل‌هایی را برای دادن علوفه به حیواناتی نظیر آهو، قوچ و... در نظر گرفته بودند. یکی از افرادی که توانسته بود از دایره فقر خارج شود اظهار می‌کرد:

«بعد از گذشت چند سال علاقه خاصی به این حیوانات پیدا کردم و روزهایی که نمی‌توانم به محل بیایم بسیار نگران و مضطرب می‌شوم.»

بحث و نتیجه گیری

این مقاله بر نقش گردشگری بر کاهش فقر از دیدگاه ذی‌نفعان در روستاهای منتخب شرق استان سمنان (قلعه بالا، ابر و رضاآباد) متمرکز شده است. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که توسعه گردشگری فرصت‌های اشتغال رسمی و غیررسمی را برای فقرا به وجود آورده است به طوری که این صنعت توانسته است ابزار مناسبی برای بهبود کیفیت زندگی افرادی باشد که دارای کمترین مهارت‌ها هستند. چنین احساساتی نیز در روستای بارابارانی در تانزانیا و سینی در کنیا کلیمانجارو و زیمباوه (اندرسون، ۲۰۱۵، ۱) گزارش شده است. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد بخشی از فقرا توانسته‌اند در مشاغل رسمی گردشگری از قبیل فعالیت در اقامتگاه‌های بوم‌گردی، فروشگاه‌ها و رستوران‌ها و به عنوان محیط‌بان در روستاهای منتخب مشغول کار شوند. این بخش از فقرا از حقوق ماهیانه حدود ۸۰۰ هزار تومان برخوردارند. تعدادی دیگر از فقرا نیز در بخش غیررسمی از قبیل اجاره دادن خانه شخصی، عرضه محصولات کشاورزی، باغی و صنایع دستی مشغول به کار شدند. با این حال فقرا معتقد بودند که درصد کمی از درآمد حاصل از گردشگری نصیب آنان می‌شود و بخش اعظم این درآمدها نصیب گروه‌های مسلط می‌گردد؛ اما تمرکز گردشگری حامی فقرا فقط منحصر به فقرا نمی‌شود حتی ممکن است ثروتمندان، ثروتمندتر هم شوند (هریسون، ۲۰۰۸)؛ بنابراین با وجود بهبود نسبی وضعیت فقرا، گردشگری باعث افزایش نابرابری در روستاهای منتخب شده است (ژائو و ریچی، ۲۰۰۷).

بخش دیگری از فقرای روستاهای منتخب به علت عدم توانایی و آگاهی، فرصت دخالت در کسب‌وکارهای گردشگری را به دست نیاورده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نقش دولت در توسعه گردشگری روستاهای منتخب بسیار چشم‌گیر است. به طوری که تقریباً تمام امکانات و زیرساخت‌های گردشگری به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت ساخته شده است (چی ونز، ۲۰۱۲)؛ اما دولت اکثر تسهیلات مالی خود را به گروه‌های نسبتاً توانمند اعطا می‌کند؛ بنابراین سیاست‌های دولت برای کمک به فقرا غیرمستقیم و با واسطه گروه‌های مسلط است. این خود باعث افزایش نابرابری شده است (اشلی و میچل، ۲۰۰۹).

همچنین روابط نابرابر قدرت برای به دست آوردن تسهیلات دولتی به‌وضوح قابل‌رؤیت بود؛ و فقط گروه‌هایی که از قدرت کافی برخوردار بودند می‌توانستند از این تسهیلات برخوردار شوند؛ که سهم فقرا از تسهیلات دریافتی نزدیک به صفر است. در این رابطه اسپیلچر (۲۰۰۷) هم معتقد است که در توسعه گردشگری در کشورهای جهان سوم همواره روابط نابرابر قدرت باعث عدم دسترسی فقرا به منافع حاصل گردشگری می‌شود. همچنین فقرا ادعا می‌کردند کارفرمایان برای فرار از قوانین کار در ایران از بیمه کردن کارگران اجتناب می‌کنند بنابراین این گروه از امنیت شغلی بسیار پایینی برخوردار هستند؛ بنابراین توسعه گردشگری با وجود افزایش درآمد و اشتغال باعث ایجاد امنیت در بین فقرای روستایی نشده است. این در صورتی است که یکی از اهداف گردشگری حامی فقرا ایجاد امنیت است (شارپلی و نایدو، ۲۰۱۰) با این حال نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد با ایجاد شغل و افزایش درآمد فقرا باعث کاهش وابستگی آنان به نهادهای خیریه دولتی شده است. نتایج نشان می‌دهد که افرادی که در مشاغل رسمی مشغول به کار شده‌اند وابستگی آن‌ها به این نهادهای خیریه قطع شده است؛ اما افرادی که در مشاغل غیررسمی گردشگری مشغول به کار شده‌اند فقط میزان وابستگی کاهش یافته است. مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که در سال‌های گذشته کمک نهادهای دولتی نزدیک به ۶۰ درصد هزینه زندگی آنان را در برمی‌گرفت؛ اما حال میزان وابستگی به‌طور میانگین تا ۲۵ درصد کاهش یافته است. به علت نبود NGOهای معتبر، نقش دولت در توانمندسازی فقرا بسیار پررنگ بود به طوری که عمدتاً مسئولیت آموزش و افزایش مهارت فقرا را دولت بر عهده گرفته است. در مطالعات قادری، ابوالیو هندرسون، ۲۰۱۷؛ قادری و هندرسون، ۲۰۱۲ به نقش پر رنگ دولت در توانمندسازی جامعه محلی در برنامه‌های توسعه گردشگری اشاره شده است. یکی از این مهارت‌ها را می‌توان آشنایی فقرا با استانداردها تولید برشمرد. خانواده‌های فقیر محصولات خود را با نظارت وزارت بهداشت و درمان ایران در بازارچه‌های تدارک دیده عرضه می‌کنند. این وزارت خانه وظیفه دارد با ارائه آموزش‌های لازم، تولیدات استاندارد را در بین افراد کم‌توان، ترویج دهد. با این حال عدالت آموزشی مهارتی بین در طبقه‌های مختلف اجتماعی مشاهده نمی‌شد. با اینکه بخشی از فقرا در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کردند اما ساختار آموزش‌های کسب و کارهای گردشگری برای گروه‌های مسلط طراحی شده بود. به طوری

که این آموزش‌ها برای افرادی در نظر گرفته شده بود که آگاهی و سرمایه کافی برای فعالیت در کسب کارهای گردشگری را داشتند (زنگ و چن ۲۰۱۵، ۱). این در صورتی است که برای ورود فقرا به فعالیت‌های گردشگری به غیر آموزش‌های تخصصی، ابتدا به آموزش‌های ویژه و پایه‌ای نیازمند هستند تا بتوانند آگاهی مهارت‌های پایه‌ای را به دست آورند (شارپلی و تفلر، ۲۰۱۴).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با اینکه سازوکاری برای آموزش‌های تخصصی برای گروه مختلف وجود دارد اما فقرا به علت عدم آگاهی لازم، توانایی نیازسنجی آموزش‌های مورد نیاز خود را ندارند و همچنین گروه‌های و سازمان‌هایی که به طور خاص نیازهای این گروه‌ها را شناسایی و نقش تسهیل‌گر را بر عهده گیرند، وجود ندارد. با این حال، فقرا توانسته بودند با حداقل آموزش‌ها در فعالیت‌هایی که به مهارت کم نیاز دارد، مشغول به کار شوند. مطالعات میچل، ۲۰۱۲، چی ونز و راسل، ۲۰۱۲ نیز در پژوهش‌های خود این موضوع اشاره کرده‌اند. این امر مثلاً تهیه غذاهای سنتیو یا متصدی اقامت‌های بوم‌گردی، راهنمای محلی و عرضه محصولات محلی به گردشگران... مشغول به کار شوند و مهارت‌های خود را در این زمینه‌ها افزایش دهند. افرادی نیز بودند که ادعا می‌کردند که در سالیان گذشته از فقر شدیدی رنج می‌برند ولی توانسته‌اند به تدریج خود را از فقر رهایی ببخشند. نتایج این بخش از پژوهش نیز با بوتلر (۲۰۱۷) هم‌خوانی دارد. همچنین نتایج حاصل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد گردشگری توانسته است فقط مهارت‌های کسب‌وکار فقرا را افزایش دهد؛ اما در سایر ابعاد توانمندسازی ناموفق بوده است. دولت ایران با برنامه‌ریزی بالا به پایین اجازه دخالت و مشارکت واقعی تمامی ذی‌نفعان را نمی‌پذیرد. به طوری که سعی دارد برنامه‌های خود را به صورت دستوری پیاده‌سازی کند. بدین خاطر هیچ گروهی در روستاهای مورد مطالعه در برنامه‌های گردشگری مشارکت داده نشده است نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دولت مفهوم توانمندسازی را در افزایش مهارت می‌داند و برای تفیظ اختیار و افزایش قدرت اهمیت قائل نیست.

پژوهش‌ها در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که حکومت‌داری ضعیف می‌تواند اثربخشی تلاش‌های را برای کاهش فقر از طریق گردشگری کاهش دهد (اسپنسلی و مایر، ۲، ۲۰۱۲؛ استینز، ۳، ۲۰۰۶) نتایج نشان

می‌دهد که تقریباً تمامی برنامه‌ها و منابع مالی توسعه گردشگری در روستاهای منتخب به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت تأمین شده است. در این برنامه‌ها مشارکت واقعی تمامی ذی‌نفعان نادیده انگاشته شده است ساختار متمرکز به صورت سیستماتیک اجازه مشارکت ذی‌نفعان را نمی‌دهد به طوری که سیاست‌های گردشگری روستایی از بالا به پایین به آن‌ها دیکته می‌شد. اما گاه مشاهده می‌گردید که با فراموشی طبقه فقیر، نظرخواهی از طبقه مسلط صورت می‌پذیرفت.

منابع

- گزارش‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سمنان. (۱۳۹۵).
- گزارش‌های کمیته امداد بهزیستی استان سمنان. (۱۳۹۵).
- گزارش‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) استان سمنان. (۱۳۹۵).
- Akyeampong, O. A. (2011). Pro-poor tourism: residents' expectations, experiences and perceptions in the Kakum National Park Area of Ghana. *Journal of Sustainable Tourism*, 19(2), 197-213.
- Anderson, W. (2015). Cultural tourism and poverty alleviation in rural Kilimanjaro, Tanzania. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 13(3), 208-224.
- Anwar, J. M. (2012). Poverty Alleviation Through Sustainable Tourism: A Critical Analysis Of Pro-Poor Tourism'And Implications For Sustainability In Bangladesh. Ritsumeikan Asia Pacific University.
- Aref, F. (2011a). Barriers to community capacity building for tourism development in communities in Shiraz, Iran. *Journal of Sustainable Tourism*, 19(3), 347-359.
- Aref, F. (2011b). Tourism industry for poverty reduction in Iran. *African Journal of Business Management*, 5(11), 4191.
- Ashley, C., Boyd, C., & Goodwin, H. (2000). *Pro-poor tourism: putting poverty at the heart of the tourism agenda*.
- Ashley, C., & Mitchell, J. (2009). *Tourism and poverty reduction: Pathways to prosperity: Taylor & Francis*.
- Butler, G. (2017). Fostering community empowerment and capacity building through tourism: perspectives from Dullstroom, South Africa. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 15(3), 199-212.

- Chok, S., Macbeth, J., & Warren, C. (2007). Tourism as a tool for poverty alleviation: A critical analysis of 'pro-poor tourism' and implications for sustainability. *Current Issues in Tourism*, 10(2-3), 144-165.
- Croes, R. (2014). The role of tourism in poverty reduction: an empirical assessment. *Tourism Economics*, 20(2), 207-226.
- Davidson, L., & Sahli, M. (2015). Foreign direct investment in tourism, poverty alleviation, and sustainable development: a review of the Gambian hotel sector. *Journal of Sustainable Tourism*, 23(2), 167-187.
- Dent, M. J., & Peters, B. (1999). *The crisis of poverty and debt in the third world*: Ashgate Publishing.
- Dwyer, L., Gill, A., & Seetaram, N. (2012). *Handbook of research methods in tourism: Quantitative and qualitative approaches*: Edward Elgar Publishing.
- Flick, U. (2014). *An introduction to qualitative research*: Sage.
- Gascón, J. (2015). Pro-Poor Tourism as a Strategy to Fight Rural Poverty: A Critique. *Journal of Agrarian Change*, 15(4), 499-518.
- Ghaderi, Z., Aboali, G., & Henderson, J. (2017). Community capacity building for tourism in a heritage village: the case of Hawraman Takht in Iran. *Journal of Sustainable Tourism*, 1-14.
- Ghaderi, Z., & Henderson, J. C. (2012). Sustainable rural tourism in Iran: A perspective from Hawraman Village. *Tourism Management Perspectives*, 2, 47-54.
- Hall, C. M. (2007). *Pro-poor tourism: who benefits?: perspectives on tourism and poverty reduction* (Vol. 3): Channel View Publications.
- Harrison, D. (2008). *Pro-poor Tourism: a critique*. *Third World Quarterly*, 29(5), 851-868. doi:10.1080/01436590802105983
- Harrison, D. (2015). Pro-poor Tourism: Is There Value Beyond 'Whose' Rhetoric? *Tourism Recreation Research*, 34(2), 200-202. doi:10.1080/02508281.2009.11081592
- Jönsson, C. (2012). Understanding the Dimensions of Pro-Poor Tourism. *Tourism Geographies*, 14(2), 356-358. doi:10.1080/14616688.2012.633221
- King, R., & Dinkoksung, S. (2014). Ban Pa-Ao, pro-poor tourism and uneven development. *Tourism Geographies*, 16(4), 687-703.
- Lustig, N., & Stern, N. (2000). Broadening the agenda for poverty reduction: Opportunity, empowerment, security. *Finance and Development*, 37(4), 3-7.
- Medina-Muñoz, D. R., Medina-Muñoz, R. D., & Gutiérrez-Pérez, F. J. (2016). The impacts of tourism on poverty alleviation: an integrated research framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 24(2), 270-298.
- Mitchell, J. (2012). Value chain approaches to assessing the impact of tourism on low-income households in developing countries. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(3), 457-475.

- Narayan-Parker, D. (2002). *Empowerment and poverty reduction: A sourcebook*: World Bank Publications.
- Peeters, P. (2015). Pro-Poor Tourism, Climate Change and Sustainable Development. *Tourism Recreation Research*, 34(2), 203-205. doi:10.1080/02508281.2009.11081593
- Saito, N., Ruhanen, L., & Noakes, S. (2016). International tourism consultant perspectives on pro-poor tourism projects in developing countries. CAUTHE 2016: The Changing Landscape of Tourism and Hospitality: The Impact of Emerging Markets and Emerging Destinations, 837.
- Salehi-Isfahani, D. (2005). Human resources in Iran: potentials and challenges. *Iranian Studies*, 38(1), 117-147.
- Salehi-Isfahani, D. (2009). Poverty, inequality, and populist politics in Iran. *Journal of Economic Inequality*, 7(1), 5-28.
- Salehi-Isfahani, D., & Majbourni, M. (2013). Mobility and the dynamics of poverty in Iran: Evidence from the 1992–1995 panel survey. *The quarterly review of economics and finance*, 53(3), 257-267.
- Salehi-Isfahani, D., Abbasi-Shavazi, M. J., & Hosseini-Chavoshi, M. (2010). Family planning and fertility decline in rural Iran: the impact of rural health clinics. *Health Economics*, 19(S1), 159-180.
- Scheyvens, R. (2007). Exploring the Tourism-Poverty Nexus. *Current Issues in Tourism*, 10(2), 231-254. doi:10.2167/cit318.0
- Scheyvens, R. (2012). *Tourism and poverty*: Routledge.
- Scheyvens, R., & Russell, M. (2012). Tourism and poverty alleviation in Fiji: Comparing the impacts of small-and large-scale tourism enterprises. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(3), 417-436.
- Schilcher, D. (2007). Growth versus equity: The continuum of pro-poor tourism and neoliberal governance. *Current Issues in Tourism*, 10(2-3), 166-193.
- Sharpley, R., & Telfer, D. J. (2014). *Tourism and development: concepts and issues* (Vol. 63): Channel View Publications.
- Sofaer, S. (1999). Qualitative methods: what are they and why use them? *Health services research*, 34(5 Pt 2), 1101.
- Spenceley, A., & Meyer, D. (2012). Tourism and poverty reduction: Theory and practice in less economically developed countries. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(3), 297-317.
- Steiner, C. (2006). Tourism, poverty reduction and the political economy: Egyptian perspectives on tourism's economic benefits in a semi-rentier state. *Tourism and Hospitality Planning & Development*, 3(3), 161-177.

- Truong, V. D. (2014). Pro-poor tourism: Looking backward as we move forward. *Tourism Planning & Development*, 11(2), 228-242.
- Truong, V. D., Hall, C. M., & Garry, T. (2014). Tourism and poverty alleviation: Perceptions and experiences of poor people in Sapa, Vietnam. *Journal of Sustainable Tourism*, 22(7), 1071-1089.
- Wilson, K. (2017). Worlds beyond the political? Post-development approaches in practices of transnational solidarity activism. *Third World Quarterly*, 38(12), 2684-2702. doi:10.1080/01436597.2017.1354694
- Zarandian, N., Shalbfafian, A., Ryan, C., & Bidokhti, A. A. (2016). Islamic pro-poor and volunteer tourism—The impacts on tourists: A case study of Shabake Talayedaran Jihad, Teheran—A research note. *Tourism Management Perspectives*, 19, 165-169.
- Zeng, B., Ryan, C., Cui, X., & Chen, H. (2015). Tourism-generated Income Distribution in a Poor Rural Community: A Case Study from Shaanxi, China. *Journal of China Tourism Research*, 11(1), 85-104.
- Zhao, W. (2009). *Small Tourism Business Development: A Developing Country Perspective*. (PHD), UNIVERSITY OF CALGARY.